

## مقبره آیت‌الله شیخ هادی نجم آبادی

آیت‌الله حاج شیخ هادی نجم آبادی (۱۲۵۰-۱۳۲۰ قمری) از روحانیان بلند آوازه عصر ناصری و مظفری است.

او در سال ۱۲۵۰ ق در روستای نجم آباد در خانواده‌ای صنعت‌گر و زحمتکش به دنیا آمد. دوران نوجوانی را در نجف به تحصیل علوم فقهی و مذهبی پرداخت و در سال ۱۲۹۰ ق. به مکه معظمه مشرف شد. در اثبات شهادت سیاسی او همین بس که منزلش مأمّن بزرگانی مانند میرزا حسن خان رشیدی (بنیانگذار مدارس نوین در ایران) بود. طبق اسنادی غیر قابل انکار، او با سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مرتبط بوده‌است و همچنین در جریان انقلاب‌های جهانی قرار داشت و اخبار و اطلاعات این وقایع چه از طریق روزنامه‌های پارسی‌زبانان چاپ خارج از کشور و چه به وسیله دوستان و رفقای فرنگ رفته به وی می‌رسید. نجم آبادی یکی از مجتهدان نامدار در سالیان پیش از مشروطیت بود که نقش مثبتی در آگاه کردن مردم در گرایش به افکار و اندیشه‌های نو و در نهایت پیدایش مشروطه خواهی داشته‌است.

## مقبره شیخ هادی نجم آبادی

برخی نویسندگان بهایی، شیخ هادی نجم آبادی را بابی مذهب می‌دانند و برای اثبات دیدگاه خود به تنها اثر او (کتاب تحریر العقلا) استناد می‌کنند. این موضوع در حالی است که شیخ هادی در همان کتاب به نقد بایبگری پرداخته‌است.

کمتر کسی از رجال مشهور مشروطه را می‌توان نام برد که یا مستقیم شاگرد شیخ نبوده یا با وی رابطه نداشته‌است. از معروف‌ترین شاگردان شیخ می‌توان به سیدمحمد طباطبایی، علی اکبر دهخدا، علامه محمد قزوینی، میرزا جهانگیرخان شیرازی، ملک‌المتکلمین و ناظم‌الاسلام کرمانی اشاره کرد.

پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی مردم ایران با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴، چهار سال پس از وفات شیخ هادی (۱۳۲۰ ق) اتفاق افتاد. از این رو، اگر چه وی نقش مستقیمی در برپایی جنبش مشروطیت، همچون دو رهبر اصلی آن یعنی سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی نداشته‌است، اما نمی‌توان تأثیرات فکری این آزاداندیش را در به تکاپو واداشتن مردم ایران برای احقاق حقوق خود نادیده گرفت. بدین جهت است که او در کنار سید جمال‌الدین و سید محمد طباطبایی از جمله سخنگویان اسلامی به شمار می‌آید که به عنوان دشمنان حکومت استبدادی زمان، هواخواه قانون، نظم و آزادی شناخته شده‌اند. حضور شیخ هادی در فراهم‌آوری زمینه‌های جنبش مشروطیت در سه رویداد، در خور درنگ و بررسی می‌باشد که هر یک از آنها به نوعی، یکی از عوامل خیزش ایرانیان در مشروطه‌خواهی به شمار می‌آیند.

دستگاه استبدادی دوران قاجار و فساد، رشوه خواری و تبهکاری کارکنان دولت آن چنان بر دوش مردم سنگینی می کرد که روشنفکران و برخی از رهبران مذهبی را به فکر چاره انداخت. واگذاری امتیازات و حق سرمایه گذاری ها از طرف دولت ایران به کمپانی های خارجی، سود بازرگانان ملی را مورد تهدید قرار داد و آنان نیز ناچار دست به دامان روحانیان شدند. بارزترین خیزش بازرگانان، روحانیان، روشنفکران و مردم علیه واگذاری امتیاز به خارجیان، «جنبش تحریم تنباکو» است که در سال ۱۳۰۹ ق (۱۸۹۰ م) به دنبال واگذاری امتیاز انحصار دخانیات از سوی دولت ایران به یک کمپانی انگلیسی موسوم به «رژی» به وقوع پیوست.

### مقبره شیخ هادی نجم آبادی

دانسته نیست که از چه رو نجم آبادی مستقیماً در این جنبش دخالت نداشت یا اگر دخالت کرده چرا در تاریخ ثبت نشده است؟ اما آنچه مشخص می باشد این است که او در دو مورد کاملاً موضع گیری منطقی داشته و آگاهانه اعلام نظر کرده است:

۱- او بر خلاف سایر روحانیان، حرمت استعمال دخانیات را دائمی دانسته و مخصوص زمان خاصی نمی داند. گفتنی است فقها معمولاً «علیه مفاسدی که صریحاً در قرآن کریم یا اخبار و احادیث، حکمی در مورد حرمت آنها صادر نشده، اقدام نمی کردند و استعمال تریاک و افیون و دخانیات و مشتقات آنها هیچ گاه از جانب روحانیان در گذشته حرام نشده بود ولی شیخ هادی اولین روحانی شیعه بود که با نتیجه گیری عقلی از منابع فقهی اعلام حرمت دائمی استعمال دخانیات را کرده است.

۲- هر چند ادر مجالس شور و مشورت روحانیان در باب تحریم تنباکو شرکت نمی کرد، اما پیام فرستاد که حاضر است در صورت خروج روحانیان از تهران به عنوان اعتراض، او نیز آنان را همراهی کند. ناظم الاسلام کرمانی که خود از جمله شاگردان نجم آبادی بود در این زمینه می نویسد: «حاج شیخ هادی نجم آبادی هم در مجالس مذاکره حاضر نشد، لکن پیغام داد من استعمال دخانیات را مطلقاً حرام می دانم و اگر بنای آقایان بر حرکت از تهران و مهاجرت به عتبات شد، اولین کسی که ردا بر دوش کند و با پای پیاده مهاجرت نماید، من می باشم. بنده نگارنده در مجلس شیخ هادی بودم که این مذاکره را فرمود.»

سیدجمال الدین (۱۲۵۴-۱۳۱۵ ق) از پدیدآوردگان نهضت های اصلاحی در جهان اسلام برای دعوت مسلمانان به اتحاد و ارشاد آنان به احکام قرآن و نجات کشورهای مسلمان از سلطه استعمار تلاش فراوان کرد و رنج بسیار کشید. نقش سید در بیداری جهان اسلام و در جنبش مشروطیت ایران و کاشتن تخم آزادی در میان مردم مانند آفتاب درخشان است. شیخ هادی نجم آبادی که عضو فعال انجمن پان اسلامی تهران به شمار می رفت با پان اسلام سیدجمال الدین همکاری داشت. وی با صراحت از ناصرالدین شاه قاجار و دیگران انتقاد

می‌کرد و سبب ذلت مسلمانان را اعراض از آیات الله و تفسیر قرآن بنا به رأی و وهم خود می‌دانست.

در نخستین روزهای ورود سید به تهران، شیخ هادی ملاقات‌هایی با او کرد تا نقشه‌ای برای بیداری ایرانیان ریخته و مردم را به آزادی، مساوات و برادری که پایه اتحاد اسلامی است آشنا سازد و مشروطه را جایگزین دولت استبدادی قاجار نماید. شیخ هادی پیشنهاد کرد که چون بیشتر مردم ایران بی‌سوادند و در خواب غفلت و نادانی به سر می‌برند، از فهم سخنان شما ناتوان هستند و چماق تکفیر، بزرگترین حربه، ناجوانمردانه است.

بنابر این، خوب است درس تفسیر قرآن مجید را آغاز کنید و کم‌کم مفهوم آزادی را طی تفسیر کلمات آسمانی بیان نمایید تا عده‌ای از طلاب معرفت را به حقایق آشنا کنید. آنان را تربیت کنید تا به مرور ایام، مقدمات تحول اساسی را در کشور عقب افتاده ایران فراهم سازید. مؤلف «تاریخ بیداری ایرانیان» پیرامون ارتباط سید و شیخ هادی می‌نویسد: «یکی از اشخاصی که با مقاصد سید همراه شد، حاج شیخ هادی نجم آبادی بود». حامد الگار نیز می‌نویسد: «زمانی که سیدجمال‌الدین در بارگاه حضرت عبدالعظیم (ری) تحصن کرده بود، شیخ هادی نجم آبادی و سیدصادق طباطبایی با او ملاقات و تماس داشته‌اند.»

از دیگر عوامل مهم درونی جنبش مشروطیت ایران، واقعه قتل ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا رضا کرمانی، در بقعه حضرت عبدالعظیم واقع در شهر ری بود. این واقعه در جمعه ۱۷ ذی القعدة ۱۳۱۳ (اول مه ۱۸۹۶) اتفاق افتاد و طی آن به سلطنت پنجاه ساله توأم با استبداد چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه پایان داد. در این راستا، شیخ هادی که همواره در تلاش برای سقوط استبداد و نجات مسلمانان بود، هنگامی که میرزا رضا برای ترور ناصرالدین شاه به تهران آمد، در حالی که تحت تعقیب و فراری بود، زندگی و موقعیت او را تأمین و کاملاً مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد و میرزا رضا نیز مانند هزار تن دیگر از افرادی که با شیخ هادی نشست و برخاست می‌کرد در پیوندی معنوی با شیخ قرار گرفت.

او در بازجویی‌ها در پاسخ به سؤالی درباره ارتباطش با شیخ می‌گوید: مشرب آقا حاج شیخ هادی معلوم است که چه قسم صحبت می‌کند. او روز که کنار خیابان روی خاک نشسته است؛ متصل مشغول آدم‌سازی است و تا به حال اقلاً بیست هزار آدم درست کرده است و پرده از پیش چشم‌شان برداشته است و همه بیدار شده و مطلب را فهمیده‌اند.

بی‌گمان یکی از آن بیست هزار نفری که به گفته میرزا رضا توسط شیخ هادی با حقایق آشنا شده‌اند، خودش بوده است. او می‌گوید: آقا حاج شیخ هادی را از سایر مردم انسان‌تر می‌دانم، با او می‌شود دو کلمه صحبت کرد. بدین سبب بود که به هنگام زندگی مخفیانه میرزا رضا در حرم عبدالعظیم پس از بازگشت از استانبول، دو شب میهمان حاج شیخ هادی بوده و یک تومان هم از شیخ به عنوان خرجی دریافت کرد. بر اساس اسناد تاریخی، اگر چه میرزا رضا درباره اندیشه خود در زمینه ترور شاه گفت و گویی با شیخ هادی نداشته، اما او

را هم عقیده خود می دانسته، چنان که میرزا رضا در پاسخ به پرسش بازجوها مبنی بر این که، «شما از کجا در تمام این شهر، حاج شیخ هادی را انتخاب کردید و به منزل او آمدید، مگر سابقه و آشنایی اختصاصی با او داشتید؟» چنین گفته بود که «اگر سابقه اختصاصی نداشتم که از من میهمانداری نمی کرد. حاج شیخ هادی که به احدی اعتنایی ندارد تمام مردم را در کوچه روی خاک پذیرایی می کند.»

در قسمت دیگری از بازجویی پرسیده شده بود: «مگر شیخ هادی با شما هم عقیده و هم خیال است؟». پاسخ میرزا این بود که «اگر هم عقیده و هم خیال نبود به منزلش نمی رفتم.» مظفرالدین شاه پس از به سلطنت رسیدن، دستور به دار آویختن میرزا رضا را صادر کرد و حکم مزبور، صبح روز پنجشنبه دوم ربیع الاول ۱۳۱۴ در میدان مشق تهران به اجرا در آمد. اگر چه کم نبودند کسانی که از کار میرزا در کشتن ناصرالدین شاه خشنود بودند اما تنها کسی که در بزرگداشت یاد میرزا مجالسی هر چند مختصر و درویشی در چهل و سال او بر پا کرد، شیخ هادی بود. ناظم الاسلام کرمانی در این باره می نویسد: «در دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۱۴ ق که چهل روز بعد از قتل میرزا رضا بود؛ در نزدیکی خانه حاج شیخ هادی نجم آبادی، آقا میرزا حسن کرمانی با آقا شیخ محمدعلی دزفولی و بعضی از اجزاء شیخ هادی، چهل میرزا را گرفتند. سال میرزا را شیخ هادی گرفت که از امین الدوله دعوت نمود و در ساعت پنج از شب گذشته که حاضرین آن سه نفر بودند؛ شخص حاج شیخ هادی و امین الدوله و یکی از محارم حاج شیخ هادی. پس از صرف غذا، حاضرین طلب مغفرت و رحمت نمودند برای میرزا رضا کرمانی.»

زندگی وی درست مصادف بود با سالهای استبداد زدگی و خودکامگی و آنچنان که مسلم است وی در راه پیروزی آرمانهای ایرانیان که چندی پس از مرگ او با محقق شدن پیروزی مشروطه خواهان به نتیجه رسید، تلاشهای بسیار کرد. چنان که بیان شد، او در جنبش تحریم تنباکو، سهم شایانی داشته است. ارتباط او با سیدجمال الدین اسدآبادی و پس از آن با روشنفکران و اصلاح طلبان بر کسی پوشیده نیست. و از آنجا که میرزا کرمانی با او در ارتباط مستقیم بود می توان به نتیجه رسید که شیخ هادی نجم آبادی در فراهم کردن زمینه های رشد و بالندگی نهان مشروطیت سهم قابل توجهی داشته است. پس از وی خانواده او راهش را ادامه دادند.

دختر نجم آبادی که از زنان روشنفکر جنبش مشروطیت به شمار می رود، به نام «آغاببیگم نجم آبادی» در سال ۱۲۸۹ خورشیدی «انجمن مخدرات وطن» را تأسیس کرد. این انجمن که فعال ترین و زبانه ترین تشکل زنان در دوران مشروطه بود، در آگاه سازی زنان جامعه از یک سو و همراهی با مبارزان مشروطه از سوی دیگر نقش بسزایی داشت. تحریم اجناس روسی، تأسیس یتیم خانه و مدرسه دخترانه و کلاس اکابر، همکاری با جمعیت نسوان وطن خواه ایران (به ریاست محترم اسکندری) و انجمن هیئت خواتین مرکزی و اتحادیه نسوان

برای برگزاری تظاهرات اعتراض آمیز به هنگام اولتیماتوم روس‌ها و انتشار روزنامه‌ای به نام «انجمن» که دومین نشریه زنان در تاریخ ایران به شمار می‌رود، از فعالیت‌های انجمن تحت سرپرستی آغابگم و ۶۰ زن عضو این تشکل غیر دولتی به شمار می‌رود.

شیخ هادی نجم آبادی سرانجام در سال ۱۳۲۰ قمری در تهران با نیکنامی به دیار باقی شتافت. آرامگاه وی در محله شیخ هادی تهران می باشد. مقبره آقا شیخ هادی نجم آبادی در جمادی الثانی سال ۱۳۲۰ ه.ق، ساخته شده است. مساحت بنا و مقبره ۵۰۰ مترمربع است و قبلاً چهار مغازه در ضلع شرقی مقبره وجود داشت که بعداً واگذار شد. این مقبره در سال ۱۳۷۲، بازسازی شده است.

پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران

<http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=12031>